

مرجحات باب تعارض ادله از دیدگاه میرزای نائینی و فخر رازی

□ سید محمد صمیمی *

چکیده

تعارض ادله از مباحث مهم و کاربردی علم اصول است. وقتی دو دلیل متعارض قابل جمع نباشد، در آن صورت نوبت به طرح مرجحات باب تعارض می‌رسد. از سویی دیگر اهمیت فقه تطبیقی و نقش آن در تقریب مذاهب برهمگان واضح است. در واقع ریشه تعداد زیادی از اختلافات فقهی به مبانی اصولی فقهاء برگشت می‌کند.

هدف این مقاله آشنایی با رویکرد فریقین جهت برون رفت از تعارض ادله در راستای کمک به محققین در حوزه فقه مقارن است. پرسش اساسی این است که شباهت‌ها و تفاوت‌های امامیه و مذاهب اربعه در مرجحات تعارض ادله کدام است؟

این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی سعی دارد با بررسی دیدگاه میرزای نائینی و فخر رازی در این موضوع، نقاط اشتراک و افتراق آنها را به صورت تطبیقی تبیین نماید.

نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که نسبت بین مرجحات نزد فریقین عموم و خصوص من وجه است. موافقت با کتاب و صفات راوی از وجوه اشتراک، و مخالفت با عامه نزد امامیه، و موافقت با قیاس و سدّ ذرایع نزد اهل سنت از جمله وجوه افتراق بحث است.

واژگان کلیدی: تعارض، تزاحم، مرجحات، تعادل، تراجیح.

۱. مقدمه

پدیده تعارض ادله در اسناد شرعی از جمله واقعیت های غیر قابل انکاری است که در تراث دینی ما وجود دارد. از اینرو صاحبان افکار و اندیشه و اصولیون برجسته که دغدغه این امر را داشته، سعی کرده اند ضابطه و ملاک و معیاری در خصوص تعامل با متعارضین با فرض تعارض بیان کنند. از آنجا که این مسئله نتایج مهم فقهی و کلامی به دنبال دارد، از اینرو دغدغه ذهنی فقیهان و متکلمان و محدثان بوده و برای حل آن، گفتگو و پرسش و پاسخ و مقالات فراوانی به رشته تحریر درآورده اند. حل تعارض اخبار از سه محور حائز اهمیت می باشد: حفظ و نگهداری حریم مقدس حضرات معصومین (:): از تناقض گویی، دفع شبهات مخالفان و صیانت و تقویت عقاید دینی، و تأکید بر صحت اجتهاد و تمامیت مقدمات استنباط احکام. نگاهی کوتاه به پیشینه این بحث، میزان اهمیت این موضوع بین عالمان دینی را بخوبی روشن می سازد. گرچه بحث مرجحات باب تعارض در علم اصول از دیر باز مورد علمای امامیه و اهل سنت بوده، لیکن با در نظر داشت گستره وسیع و کاربردی آن در فقه اسلامی، به لحاظ مقارنه ای کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

مطالعه و بررسی پیشینه بحث نشانگر آن است که تلاشهای صورت گرفته یا تطبیقی نبوده و یا موضوع تعارض ادله را به شکل کلی مطرح کرده و یا بصورت جزئی فقط به یکی از مرجحات باب تعارض از دیدگاه امامیه پرداخته است. که در اینجا به برخی از آنها اشاره می گردد:

- کتاب «التعادل و التراجیح» نوشته امام راحل

- کتاب «التعارض» نوشته سید محمد کاظم یزدی

- کتاب نقش تقیه در استنباط احکام» نوشته نعمت الله صفری

- کتاب «پژوهشی در تعارض اخبار» نوشته کریم عبداللهی

مضافاً بر کتب مذکور، از سوی فقه پژوهان معاصر مقالاتی در این زمینه به رشته تحریر درآمده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود:

- مقاله «بررسی دیدگاه علمای معاصر در اصل اولی و ثانوی در باب تعارض». این مقاله

اولاً فقط حاوی دیدگاه علمای معاصر می‌باشد و به صورت تطبیقی کار نشده است و ثانیاً به صورت مبسوط به بحث مرجحات باب تعارض پرداخته نشده است.
- مقاله «نقش زمان در حلّ تعارض اخبار»، مجله نقد و نظر، سال ۱۳۷۴، شماره ۵.
نویسنده در این مقاله فقط به تحلیل و بررسی اخبار علاجیه از دیدگاه اصولیان معاصر امامیه پرداخته است.

- مقاله «نقش حکمت احکام در حلّ تعارض و تراحم»، مجله فقه، سال ۱۳۹۱، شماره ۷۱.
گفتار حاضر می‌کوشد به صورت تطبیقی و با تأکید بر آراء میرزای نائینی و فخر رازی، مرجحات باب تعارض را به شکل جزئی مورد بررسی قرار داده و نقاط اشتراک و افتراق این دو شخصیت برجسته اصولی را تبیین نماید.

۲. مفاهیم و کلیات

۲-۱ - تعارض

تعارض مصدر باب تفاعل و «عرض» در لغت در مقابل طول قرار دارد، و «عرض الشیء» به معنای قرار دادن شیء در معرض دید و تماشا می‌باشد (الجوهری، ۱۴۱۰، ۳: ۱۰۸۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴: ۲۶۹). و در اصطلاح عبارتست از اینکه مدلول دو یا چند دلیل لفظی باهم تنافی داشته باشند، بگونه‌ای که از نظر عرف جمع بین آنها امکان پذیر نباشد (کاظمی، ۱۴۱۴، ۳: ۳۱۷؛ خمینی، ۱۳۷۵، ش، ص ۳۴).

از دیدگاه اصولیون اهل سنت تعارض عبارت است از اینکه یکی از دو دلیل حکمی را که مخالف مقتضای دلیل دیگر است، اقتضا نماید (غزالی، ۱۹۹۵، ۲: ۲۴۴؛ رازی، ۱۴۲۰، ۴: ۱۳۰۹؛ زحیلی، ۱۴۳۲، ۲: ۴۵۱؛ خضری بیک، بی تا، ص ۳۴۸، شوکانی، ۱۳۴۹، ص ۲۴۱).

۲-۲ - فرق تعارض و تراحم

تراحم در لغت یعنی دو حکمی که حائز و واجد شرایط فعلیت هستند، در مرحله عمل برای یکدیگر ایجاد مزاحمت نمایند. به نحوی که شخص قدرت اطاعت امر و بجا آوردن همزمان

آن دو دستور را نداشته باشد (کاظمی، ۱۴۱۴، ۲: ۳۱۷؛ فیاض، ۱۴۱۰، ۳: ۲۰۴).

- تعارض، تنافی و تضادّ دو دلیل است در مقام جعل و تشریح، در حالی که تراحم، تنافی دو حکم در مقام امتثال می باشد (کاظمی، ۱۳۷۶، ش، ۴: ۷۰۴).
- تراحم منحصرأ در قلمرو دو حکم لازم اتفاق می افتد، مانند؛ دو حکم وجوبی، یا دو حکم به حرمت، یا یک وجوب و یک حرمت. اما تعارض اختصاص به حکم الزامی ندارد.
- در باب تعارض اگر متعارضین، متعادلین بودند مسأله اختلافی است، در حالی که در باب تراحم اگر متعادلین بودند مسأله اتفاقی است.

۲-۳- شروط تعارض

الف - از دیدگاه امامیه

فقه‌های امامیه هفت شرط را بیان نموده و معتقدند که بدون یک یا چند تا یا تمامی آنها هرگز تعارضی بین دو دلیل محقق نخواهد شد. این موارد که جزء مقومات تعارض محسوب می شوند، عبارتند از:

- یک از دو دلیل یا هر دو آنها قطعی و یقینی باشد. بنابراین بین دو دلیل ظنی، یا یکی ظنی و دیگری قطعی هرگز تعارض بوجود نمی آید.
- مدلول هر دو دلیل بایکدیگر متنافی باشند، بگونه‌ای که اجتماع دو دلیل در صدق محال باشد. اعم از اینکه تنافی از نوع تناقض باشد یا تضاد.
- در حجیت هریک از دو دلیل ظن فعلی معتبر نباشد، بلکه ظن شأنی معیار و ملاک باشد؛ زیرا اعتبار ظن فعلی در هر دو، همانند قطع به متنافیین فی نفسه از محالات می باشد.
- هریک از دو دلیل متعارض واجد شرائط حجیت باشد. یعنی اگر تنها خودش می بود و اصلاً و ابدأ پای وجود مخالفی در میان نبود، به طور قطع برای ما حجت بود و لازمه الاطاعة می گردید.

- تنافی بین دو خیر از نوع تراحم نبوده باشد.

- هیچیک از دلیلی بر یکدیگر حکومت نداشته باشد؛ چرا که دلیل حاکم ناظر بدلیل

محکوم بوده و از باب تعبد، موضوع دلیل محکوم را توسعه و یا تضییق می‌نماید و در این حالت تعارض وجود نخواهد داشت.

- یکی از دو دلیل بر دیگری وارد نباشد و الا در غیر این صورت دلیل وارد موضوع دلیل مورود را از میان بر می‌دارد و در این حالت تعارض معنا ندارد. (کاظمی، ۱۳۷۶ش، ۴:۷۰۳؛ خوئی، ۱۳۵۲ش، ۲:۵۰۶؛ مظفر، ۱۳۸۶ق، ۲:۲۱۰).

ب - از دیدگاه اهل سنت

اصولیین اهل سنت سه شرط برای تعارض ذکر کرده‌اند:

- دو دلیل در قطعی و ظنی بودن یکسان باشند. بنابراین بین یک دلیل قطعی و دلیل ظنی، و بین کتاب و خبر واحد تعارض بوجود نمی‌آید، همان‌گونه که بین نص و قیاس نیز تعارضی نیست.

- دو دلیل باید به لحاظ قوت دلالت یکسان باشند. بنابراین بین متواتر و خبر واحد هرگز تعارضی رخ نخواهد داد.

- دو دلیل به لحاظ حکم در وقت و محل و جهت متفق باشند، بنابراین بین روایتی که از بیع هنگام نداء نهی می‌کند با روایتی که در غیر این وقت اذن داده تعارضی وجود ندارد (شوکانی، ۱۳۴۹ق، ص ۲۷۳؛ مصطفی شلیبی، ۱۴۰۶ق، ۱:۵۲۴؛ عبدالعزیز، ۱۴۱۸ق، ۲:۷۲۵).

۲-۴- منشاء تعارض

منظور از منشاء یا اسباب تعارض، عواملی است که سبب وقوع تعارض و تنافی میان روایات می‌شود. از نتایج مهم منشاء شناسی تعارض، خروج بسیاری از موارد از بحث تعارض ادله است که علی‌الظاهر متعارض به نظر می‌رسند. مضافاً بر اینکه دانستن اسباب و مناشیء اختلاف اخبار و راه علاج آن، در وحدت آراء و نزدیک شدن به صواب و حقیقت، بسی مؤثر است.

عوامل متعددی چون؛ نسخ، وضع، جعل، تقیه، اشتباه راوی، نفاق راوی، نقل به معنا، سوءفهم، دسیسه، تزویر، تقطیع، حالات های مختلف راوی، قراین حالی و مقالی، تعویض و اگذاری، احکام تدریجی، تخییر، ظرفیت راوی، فراموشی راوی، برداشت نادرست راوی

سبب تعارض و اختلاف اخبار می‌گردد.

شیخ انصاری معتقد است که دلیل عمده و اصلی اختلاف اخبار به اراده خلاف ظاهر برگشت می‌کند. یعنی برخی از اخبار با قرائن متصله یا منفصله‌ای همراه بوده که به سبب تقطیع یا نقل به معنی و یا تقیه و یا علل دیگر، ما به آن دسترسی نداریم و اختفای قرائن موجب گردیده که این تعارض بوجود آید (انصاری، ۱۴۲۸ق، ۴: ۱۳۰).

صاحب کتاب «اسباب اختلاف الحدیث» هشتاد علت را برای تعارض و اختلاف حدیث احصاء و برشمرده و آنرا در پنج بخش و محور اصلی قرار داده است که عبارتند از: عوارض تحدیث، اقتضائات محیط تشریح، اقتضائات اسالیب تعبیر، تغییر ظروف (اقتضائات)، اقتضائات حقل (بخش، قطعه) تفسیر. برخی دیگر ۱۰ مورد را بعنوان مناشیء اختلاف و تعارض ادله برشمرده‌اند (حسینی گرگانی، ۱۳۹۳ش، ۴: ۳۶۴).

سید محمد باقر صدر نیز به هشت مورد بعنوان مناشیء تعارض حدیث اشاره کرده که عبارتند از: جانب ذاتی تعارض، تغیر احکام الشریعة عن طریق النسخ، ضیاع القرائن، تصرف الرواة و النقل بالمعنی، التدرج فی البیان، التقیة، ملاحظه ظروف الراوی، الدس و التزویر (صدر، ۱۴۱۷ق، ۷: ۲۸).

در میان اهل سنت، سرخسی معتقد است که اصولاً هیچگونه تناقضی بین حجج شرعیه (کتاب و سنت) به لحاظ و وضع و جعل شارع بوجود نمی‌آید و تعارض ناشی از جهل ما نسبت به تاریخ و عدم قدرت بر تمییز بین ناسخ و منسوخ می‌باشد (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ۲: ۱۲). اما برخی دیگر ۸ مورد را بعنوان منشاء اختلاف اخبار ذکر کرده است (بطلیوسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۱۵۷).

۲-۵ - اقسام تعارض

الف - تعارض بدوی

به تنافی بین مدلول دو یا چند دلیل که در بدو امر به چشم می‌خورد، تعارض بدوی یا غیر مستقر گفته می‌شود که با تأمل و دقت از طریق جمع عرفی قابل رفع هست (صدر، ۱۴۲۵ق،

۲۳۱:۷). «جمع عرفی» یا «جمع دلالی» یا «جمع مقبول» فرآیندی است که طی آن تعارض اولیه بین دو دلیل از طریق تصرف در ظهور یک دلیل به قرینه دلیل دیگر بر طرف می‌گردد. از مهمترین موارد جمع دلالی نزد فریقین می‌توان به: تخصیص، تخصص، ورود، و حکومت اشاره نمود. شاید بتوان گفت شایع‌ترین نوع جمع دلالی، جمع دو حکم عام و خاص است از طریق تخصیص عام به خاص (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۳۸؛ زحیلی، ۱۴۲۳ق، ۲:۴۵۵).

از نظر میرزای نائینی قوی‌ترین شیوه جمع عرفی ظهور اقوی است. یعنی هر یک از متعارضین که از ظهور قوی‌تری داشته یا از صراحت بیشتری برخوردار باشد، مقدم می‌شود.

ب - تعارض مستقر

هرگاه نتوان مشکل تعارض دو دلیل را از طریق جمع عرفی برطرف کرد، در اصطلاح علم اصول به آن تعارض مستقر گفته می‌شود (سبحانی، ۱۳۷۶ش، ۲:۲۲۰). در این صورت متعارضین از دو حال خارج نیست: یا یکی از آنها بر دیگری به لحاظ سند یا دلالت یا هردو، برتری و رجحان دارد که در این صورت آن خبر ترجیح داده می‌شود، یا هردو دلیل از جمیع جهات مساوی هستند و هیچ‌یک بر دیگری رجحان ندارد (متعادلین) در این صورت باید دید که مقتضای قاعده چیست.

۲-۶- مقتضای قاعده در باب تعارض

الف - از دیدگاه امامیه

در مورد این که مقتضای قاعده اولیه (یعنی به حکم عقل و دلیل عقلی و با قطع نظر از ادله خاصه و روایات) در خصوص متعادلین چیست، بین اصولیون اختلاف نظر وجود دارد؛ مشهور علمای متأخر از جمله؛ مرحوم مظفر، و آخوند خراسانی، و میرزای نائینی (مظفر، ۱۹۶۷، ۲:۲۲۵) قائل به تساقط شده و گروهی دیگر قائل به تخییر هستند.

در اینکه مقتضای قاعده ثانویه چیست، فقهاء اختلاف نظر دارند. منشأ این اختلاف

روایات وارده در این باب می باشد و بطور کلی سه قول در این زمینه وجود دارد: اول: تخییر، دوم: توقف در مقام فتوا و عمل به احتیاط. سوم: وجوب التزام به دلیلی که با احتیاط سازگارتر است. مشهور اصولیون قائل به تخییر هستند.

ب - از دیدگاه اهل سنت

احناف برای متعارضین سه راه حل بیان نموده اند: ۱ - نسخ: در مرحله نخست مجتهد باید بکوشد تا تاریخ متعارضین را کشف نماید و هرکدام که متأخر بود، ناسخ دیگری محسوب شده و مقدم می شود. ۲ - ترجیح: چنانچه مجتهد نتوانست علم به تاریخ نصین متعارضین دست یابد، در این صورت یکی از آنها را بر دیگری بواسطه مرجحات باب ترجیح می دهد. ۳ - اگر ترجیح متعذر و دشوار بود، در این حالت از طریق جمع عرفی و توفیق بین نصین، تعارض را دفع می کند. یعنی عام را با خاص و مطلق را با مقید تخصیص می زند ۴ - تساقط: چنانچه از طریق نسخ یا ترجیح یا جمع نتوان تعارض دلیلی را بر طرف نمود، در این حکم به تساقط می شود (زحیلی، ۱۴۳۲ق، ۴: ۴۵۴).

۳ - مرجحات باب تعارض

«مرجح» به خصوصیاتی گفته می شود که سبب رجحان و مزیت یکی از خبرین متعارضین بر دیگری می شود (مشکینی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۳۸؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ۴: ۱۳۱۸). چنانچه دو دلیل متعارض باهم برابر نباشند، و یکی از آنها مرجح داشته باشد، در این صورت به دلیلی که مرجح دارد عمل می شود (ولایی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۴۴). مدرک و مستند برای وجوب ترجیح دلیلی که مرجح دارد، اجماع، سیره قطعیه و احادیث متواتر می باشد (انصاری، ۱۴۲۸ق، ۴: ۴۸).

۳-۱ - تقسیم بندی مرجحات

الف - از دیدگاه امامیه

برخی از فقیهان مرجحات را بردو نوع منصوص و غیر منصوص تقسیم کرده اند (مظفر، ۱۳۸۶ق، ۲: ۲۴۷؛ سبحانی، ۱۴۲۴ق، ۴: ۵۲۰). اما برخی دیگر مثل شیخ انصاری آنرا به مرجحات داخلی

و خارجی تقسیم نموده‌اند (انصاری، ۱۴۲۸ق، ۷۹:۴). صاحب کتاب «بدائع الافکار» تقسیم بندی دوم را آنسب و أحسن دانسته است (رشتی، بی تا، ص ۴۳۷).
میرزای نائینی نیز مرجحات باب تعارض را به مرجحات داخلی و مرجحات خارجی تقسیم کرده است. مرجحات داخلی سه قسم است؛ مرجح صدور (سندی)، مرجح جهتی و مرجح مضمونی (دلالتی).

ب - از دیدگاه اهل سنت

اهل سنت نیز مرجحات باب تعارض را در یک تقسیم بندی کلی به دو دسته تقسیم کرده‌اند، ولی در تسمیه و نامگذاری از تعابیری متعددی استفاده شده است. برخی تحت عنوان مرجحات داخلی و خارجی نام برده‌اند. برخی دیگر این دو عنوان کلی را به مرجح منقول و مرجح معقول و برخی دیگر به الترجیح بین النصوص و الترجیح بین الأقیسة نامگذاری کرده‌اند.

مرجحات منصوص (داخلی) خود به چهار دسته تقسیم می‌شود: ۱ - مرجحات سندی ۲ - مرجحات متنی ۳ - مرجحات حکمی یا مدلولی ۴ - مرجحات به اعتبار امر خارجی
مرجحات بین دو قیاس متعارض نیز خود به چهار قسم تقسیم می‌شود: ۱ - ترجیح از جهت اصل ۲ - ترجیح از جهت فرع ۳ - ترجیح به حسب علت ۴ - ترجیح از جهت امر خارجی (شاطبی، ۱۴۱۷ق، ۳۴۴:۵؛ زحیلی، ۱۴۳۲ق، ۴۶۵:۲).

فخر رازی در تقسیم بندی مرجحات باب تعارض از دو عنوان التراجیح فی الأخبار و التراجیح بالأقیسة استفاده کرده است. اما برخلاف رأی جمهور، ترجیح بواسطه اخبار یا همان مرجحات داخلی را بجای چهار دسته به پنج دسته تقسیم کرده و علاوه بر چهار مورد مذکور، ترجیح به سبب حال ورود خبر (أحدثیت) را نیز اضافه نموده است.

همچنین مرجحات بین الاقیسة را بجای چهار دسته، به شش قسم تقسیم نموده است: ترجیح به سبب ماهیت علت، ترجیح به سبب آنچه که به ذات علت موجود برگشت می‌کند. ترجیح به سبب علیت وصف در اصل (مقیس)، ترجیح به سبب دلیل حکم در اصل، ترجیح به سبب کیفیت حکم، و ترجیح به سبب مکان علت (رازی، ۱۴۲۰ق، ۱۳۲۹:۴).

۲ - ۳ - ترتیب مرجحات

در خصوص اینکه آیا بین این سه نوع مرجح ترتیبی وجود دارد یا نه؟ و آیا این سه در طول یکدیگرند یا در عرض هم؟ بین اصولیین اختلاف نظر وجود دارد. برخی مثل آخوند خراسانی معتقدند که بین آنها هیچ ترتیبی وجود ندارد و هر سه در عرض یکدیگر هستند. بنابراین چنانچه یکی از متعارضین مثلاً واجد مرجح سندی باشد و دیگری واجد مرجح صدور، در این صورت بین خبرین تراحم بوجود می‌آید. در نتیجه به هرکدام که مناط آن قویتر است عمل می‌شود و الا در غیر این صورت حکم به تخییر می‌گردد (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۴۵۴).

برخی دیگر مثل وحید بهبهانی معتقدند که در متعارضین آن خبری که مرجح صدور دارد بر خبر دیگر که مرجح سندی یا مضمونی دارد، مقدم می‌گردد. بنابراین خبری که مخالف عامه است بر خبری که موافق شهرت یا موافق با کتاب است ترجیح داده می‌شود.

از نظر مرحوم نائینی مرجح صدور (سندی) بر مرجح مضمونی ارجحیت دارد؛ چرا که تعبّد بر جهت صدور متوقف است بر تعبّد به صدور، همان گونه که تعبّد بر مضمون، متوقف است بر تعبّد بر جهت صدور (کاظمی، ۱۳۷۶، ص ۴: ۷۸۱).

همچنین مرجح جهتی مقدم است بر مرجح مضمونی، بدلیل تقدم رتبه. بنابراین خبری که مخالف عامه است بر خبری که موافق کتاب است مقدم می‌باشد. قطب راوندی معتقد است بدلیل روایت صحیح از امام صادق باید خبر موافق کتاب بر خبر مخالف عامه مقدم گردد، لیکن عمل به روایت صحیح مذکور مشکل است، مگر اینکه بگوییم موافقت با کتاب از جمله مرجحات صدور است (همان، ۴: ۷۸۴).

۳ - ۳ - تعدی از مرجحات منصوص

در این مورد که در حلّ تعارض اخبار آیا فقط باید به مرجحات منصوص اکتفاء و بسنده نمود، یا تعدی از آنها به مرجحات غیر منصوص جایز است، بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد و در این زمینه سه قول وجود: قول اول: جواز تعدی؛ مشهور اصولیون معتقدند که تعدی از مرجحات منصوص جایز است و نمی‌توان در تمامی موارد متعارضین را فقط از طریق مرجحات منصوص

حلّ کرد (انصاری، ۱۴۲۸ق، ۷۳:۴). قول دوم؛ عدم جواز: برخی از فقیهان مثل کلینی در مقدمه کتابش و اخباریون قائل بعدم جواز تعدی از مرجحات منصوص و لزوم اکتفاء و بسنده کردن به آن هستند. آخوند خراسانی به این قول متمایل گردیده است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۴۷). قول سوم: تفاوت قائل شدن میان خصوصیات نقل کننده حدیث و بقیه مرجحات. بعضی براین باورند که در مورد ویژگی ها و خصوصیات راوی، عبور نمودن از مرجحات منصوص و اکتفا نکردن به آن اشکال ندارد، اما در باقی مرجحات، تعدی مجاز نمی باشد (مظفر، ۱۳۸۶ق، ۲: ۲۶۱).

به نظر میرزای نائینی تعدی از مرجحات منصوص جایز نیست و اقوی اکتفاء به مرجحات منصوص می باشد، هرچند که مقتضی اصل، و جوب اخذ به هر چیزی است که احتمال مرجح بودن برای یکی از متعارضین گردد (کاظمی، ۱۳۷۶ش، ۴: ۷۷۴).

۳-۳- اقسام مرجحات

الف - از دیدگاه امامیه

اصولیین امامیه در باره تعداد مرجحات منصوص اختلاف نظر دارند. برخی از آنان مرجحات منصوص را سه چیز می دانند: شهرت، موافقت با کتاب، مخالفت با عامه (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ۳: ۵۰۳). برخی پنج مورد را بعنوان مرجح برشمرده اند: صفات راوی، شهرت عملی، موافقت با کتاب و سنت، مخالفت با عامه و ترجیح به احادیث (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ۴: ۵۲۰؛ مظفر، ۱۳۸۶ق، ۲: ۲۴۸). برخی دیگر ده مورد را بعنوان مرجحات منصوص احصاء نموده اند: عادل و موثق بودن، با ورع بودن، موافقت کتاب، مخالفت با عامه، موافقت با سنت، مخالف میل حکام جور، مشابهت با احادیث قطعی الصدور، شهرت، موافق با احتیاط بودن، اسهل بودن (کمره ای، بی تا، ۲: ۲۵۹). در هر صورت کلیه موارد مذکور زیر مجموعه دو دسته مرجحات داخلی و خارجی قابل است.

دسته اول: مرجحات داخلی (منصوص):

منظور از مرجحات منصوص اموری است که سبب نزدیک تر شدن یکی از متعارضین اقرب

به واقع گردد یا صادر شدن آن از ناحیه معصوم (۷) را تقویت نماید و در احادیث صراحتاً بیان گردیده است. مثل؛ ترجیح به صفات راوی، موافقت با کتاب، مخالفت با عامه، فصاحت و بلاغت، قلت وسائط در سلسله سند و امثالهم که یا به سند برگشت میکند، یا به متن (مشکینی، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۴۰). به عبارت دیگر؛ مرجحات منصوص اموری است که خارج از سند و متن حدیث نمی باشد و به سه قسم: مرجحات صدوری (سندی)، مرجحات جهتی و مضمونی (دلالتی) تقسیم می شود.

۱-۱ - مرجح صدوری (سندی)

به مزیتی در خبر گفته می شود که جنبه اصل صدور حدیث از ناحیه معصوم علیه السلام را تقویت نموده و احتمال کذب بودن آنرا کاهش می دهد، مثل ترجیح به صفات راوی و ترجیح بواسطه شهرت.

- ترجیح به صفات راوی

مشهور فقهای امامیه برخی از صفات راوی را که از حدیث مقبوله عمر بن حنظله و مرفوعه زراره استخراج گردیده است، مثل؛ عدالت، فقاقت، وثاقت، ورع و تقوا، صداقت و قدرت ضبط از جمله مرجحات صدوری برشمرده اند که متصف بودن راوی یکی از متعارضین به یک یا چند تا از این صفات، موجب مزیت و ترجیح خبر وی می گردد (خمینی، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۰۳).

* نظر میرزای نائینی

به نظر مرحوم نائینی هر صفتی که در راوی هست را نمی توان بعنوان مرجح در نظر گرفت. بنا براین ورع، و تقوا و مواظبت بر اداء فرائض و واجبات دینی ربطی به نقل روایت ندارد. چه بسا راوی فاسق در ضبط و نقل روایت از راوی عادل متقن تر و بهتر باشد. و مقصود از «اعدلیت و اورعیت» در حدیث به معنی اعدلیت و اورعیت در زهد دنیایی نیست، بلکه در نقل حدیث است. بله اصدقیت در کلام و اوثقیت در نقل از جمله صفاتی است که صلاحیت مرجح بودن را دارد.

اگر مرجح یکی از خبرین شهرت بود و مرجح خبر دیگر صفات راوی، مرحوم نائینی بر

خلاف رأی مشهور معتقد است که ترجیح با خبری است که شهرت مرجح آن است (کاظمی، ۱۳۷۶ق، ۴: ۷۸۵).

- ترجیح بواسطه شهرت

اگر یکی از متعارضین مشهور باشد و دیگری شاذ، در این صورت حدیث مشهور ترجیح داده می‌شود. شهرت بر سه قسم است؛ شهرت روایی، شهرت عملی و شهرت فتوایی. در مورد اینکه آیا شهرت می‌تواند مرجح احد المتعارضین باشد یا نه؟ بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد. شهرت روایی از مرجحات منصوص بحساب می‌آید و فقهاء در این مورد اتفاق نظر دارند. مدرک آن حدیث مقبوله عمر بن حنظله است.

اما شهرت فتوایی جزء مرجحات غیر منصوص است و به شرطی می‌تواند مرجح واقع شود که اولاً یقین کنیم که مستند فتوای مشهور فقط همین روایت است. و ثانیاً شهرت قدیمه باشد. یعنی مربوط به عصر معصومین (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۸ق، ۲: ۵۸۴).

* نظر میرزای نائینی

از نظر مرحوم نائینی شهرت روایی و عملی از جمله مرجحات محسوب می‌گردد و نسبت بین آندو عموم و خصوص من وجه است. چنانچه یکی از متعارضین شهرت روایی داشته باشد و دیگری شهرت عملی، در این صورت ترجیح با خبری است که از شهرت عملی برخوردار باشد. و اما شهرت فتوایی در صورتی که شهرت متأخرین با متقدمین موافق باشد، مرجح محسوب می‌شود (کاظمی، ۱۳۷۶ش، ۴: ۷۸۹).

۲-۱ - مرجح جهتی

به اموری گفته می‌شود که علل و انگیزه های صدور حدیث را روشن می‌کند و به اصل صدور حدیث کاری ندارد، ولی جهت صدور آنرا تقویت می‌نماید، مثل مخالفت با عامه (مشکینی، ۱۳۷۴ش، ص ۲۳۹). موافقت و مخالفت با عامه، از مرجحات جهتی محسوب می‌شود. بنابراین در متعارضین اگر یک حدیث موافق عامه و دیگری مخالف آن باشد، حدیث مخالف عامه

ترجیح داده می‌شود؛ چرا که در حدیث موافق عامه، احتمال تقیه بودن وجود دارد (میرزای قمی، ۱۴۳۰ق، ۴:۶۰۳).

* نظر میرزای نائینی

مضمون خبری که مخالف عامه است، اقرب به واقع است از خبری که موافق عامه است؛ زیرا خبری که موافق عامه است، احتمال دارد که از روی تقیه صادر شده باشد. ظاهر برخی از اخبار فی نفسه حاکی از آن است که از روی تقیه صادر شده است. یعنی قرینه یا قرائنی به همراه دارد که دال بر تقیه بودن خبر می‌نماید. مثل اخباری که دلالت می‌کند بر عدم بطلان نماز بواسطه حدث قبل از سلام نماز.

ولی در برخی موارد خبر همراه با قرینه نیامده است تا دلالت بر تقیه بودن نماید، بلکه صرفاً موافق با عامه است. بدیهی است که هرگاه خبری موافق با عامه باشد، معنایش این نیست که حتماً از روی تقیه صادر شده است. اگر در یک خبر قرائنی که دال بر صدور آن از روی تقیه باشد وجود نداشته باشد، فقط در صورتی می‌توان آنرا بر تقیه بودن حمل کرد که بین آن و خبری که مخالف عامه است، تعارض بوجود آید.

همچنین اگر یکی از متعارضین موافق عامه باشد و دیگری مخالف عامه، لیکن موافق عامه مشهور باشد و دیگری شاذ، در این خبر موافق عامه بدلیل شهرت روایی که مرجح منصوص است، مقدم می‌شود (همان، ۴:۷۸۲).

۱-۳ - مرجح مضمونی (دلالتی)

عبارتست از مزیتی که محتوا و مضمون حدیث را قوت بخشیده و باعث می‌شود که فقیه احساس کند که به واقع نزدیکتر است. مانند تناسب و سازگاری مضامین احادیث با ظواهر قرآن و سیره نبوی. بنابراین اگر مضمون یکی از متعارضین موافق با کتاب یا سنت بود، بر دیگری که مخالف آن است ترجیح داده می‌شود.

علاوه بر آن، تأکید حکم یکی از متعارضین با قسم و تغلیظ، مزیتی است که موجب ترجیح آن بر دیگری می‌شود. همچنین نقل به لفظ ترجیح داده می‌شود به نقل به معنی و همچنین در

صورتی که دلالت یکی از متعارضین محتاج بواسطه و قرینه باشد و دیگری بلاواسطه دلالت نماید، دومی ترجیح داده می‌شود (میرزای قمی، ۱۴۳۰ق، ۴: ۵۹۹).

* نظر میرزای نائینی

روایات دال بر مرجحیت موافقت با کتاب بر دو دسته تقسیم می‌شود: روایاتی که می‌گوید خبر موافق کتاب را أخذ نمائید، و روایاتی که می‌گوید خبر مخالف با کتاب را دور بریزید. از شرایط حجیت خبر آن است که مخالف کتاب نباشد. بنابراین خبر مخالف کتاب اصولاً به مرحله حجیت نمی‌رسد تا با خبر موافق کتاب تعارض نماید. به باور میرزای نائینی کلمات فقهاء در باب جمع و تطبیق این دو دسته از اخبار مضطرب به نظر می‌رسد. بنابراین تعارض بین خبری که موافق با کتاب است با خبری که مخالف کتاب است واقع نمی‌شود، تا سراغ مرجحات باب تعارض برویم، بلکه تعارض بین خبری است که مضمونش موافق کتاب است با خبری که چنین مؤیدی ندارد. در نتیجه خبری که موافق کتاب است مزیت داشته و مقدم می‌گردد (کاظمی، ۱۳۷۶ش، ۴: ۷۹۰).

دسته دوم: مرجحات خارجی (غیر منصوص)

مقصود از مرجحات غیر منصوص اموری است که در اخبار و روایات به «مرجح» بودن آنها اشاره نشده است و بیرون از مدرک و متن روایت بوده و مستقلاً وجود دارد و اصلاً مرجح بودن شان مشروط به وجود حدیث نیست، مثل اعتضاد و پشتیبانی یکی از متعارضین با حدیث یا سند دیگر و یا موافقت یکی از متعارضین با اجماع منقول و یا موافقت با اصل.

از دیدگاه اصولیون شیعه مرجحات خارجی، خود به دو دسته تقسیم می‌شود: مرجح خارجی معتبر، و مرجح خارجی غیر معتبر (مشکینی، ۱۳۷۴ش، ص ۲۴۰). مرجح خارجی معتبر مزیتی است که از طرف شارع دلیلی برای اعتبار آن وجود دارد و از کتاب یا سنت قطعیه مؤید و پشتیبان دارد. مثل اصول عملیه و مقصود از مرجح خارجی غیر معتبر آن است که پشتوانه شرعی نداشته باشد، مثل قیاس، اجماع منقول (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۵۸).

* نظر میرزای نائینی

همانطور که قبلاً بیان گردید میرزای نائینی تعدی از مرجحات منصوص را جایز نمی‌داند، بر فرض پذیرش جواز این امر، در مورد مرجح خارجی معتبر باید گفت که موافقت احد المتعارضین با اصل نمی‌تواند مزیت و عامل ترجیح آن خبر واقع شود؛ زیرا اصل و اماره در یک مرتبه نیستند و رتبه اصل پایین تر از اماره است. و در مورد مرجحات خارجی غیر معتبر مثل موافقت با قیاس، اصولاً این امر رأساً ساقط است و جایی برای بحث وجود ندارد (کاظمی، ۱۳۷۶ش، ۴: ۷۹۵).

ب - از دیدگاه اهل سنت

همان گونه که قبلاً گذشت، اصولیان اهل سنت مرجحات باب تعارض را به دو قسم داخلی (منصوص) و خارجی تقسیم کرده اند. که هریک از این دو قسم خود به چند نوع تقسیم می‌شود که به صورت خلاصه در ذیل این عنوان به آنها اشاره می‌گردد:

دسته اول: مرجحات داخلی (منصوص)

از نظر جمهور اصولیون اهل سنت، مرجحات منصوص چهار چیز است: مرجحات سندی، مرجحات متنی، مرجحات حکمی، مرجحات به اعتبار امر خارجی. فخر رازی برخلاف رأی جمهور مرجحات داخلی را بجای چهار دسته به پنج دسته تقسیم کرده و علاوه بر چهار مورد مذکور، ترجیح به سبب حال ورود خبر (أحدثیت) را نیز اضافه نموده است.

۱-۱- مرجحات سندی

برخی مثل شوکانی ۴۵ مورد را بعنوان مرجحات سندی احصاء و شمارش نموده است (شوکانی، ۱۳۴۹ق، ص ۲۴۴). لیکن برخی دیگر آنرا به چهار نوع تقسیم نموده است: ترجیح به اعتبار راوی، ترجیح به اعتبار نفس و طبیعت روایت، ترجیح به اعتبار مروی، و ترجیح به اعتبار مروی عنه (زحیلی، ۱۴۳۲ق، ۲: ۴۶۵).

اول - ترجیح به اعتبار راوی: جمهور اصولیون اهل سنت معتقدند که هرگاه راویان یکی از

دو دلیل از دیگری بیشتر باشد، آن روایت ترجیح داده می‌شود؛ زیرا احتمال غلط و کذب در مورد روایتی که راویان بیشتری دارد، کمتر از دیگری است (غزالی، ۱۳۵۶ق، ۲: ۱۲۹). علاوه بر کثرت راویان، اعلم بودن، اضط بودن، اعدلیت یا اوثقیت یا با ورع و با تقوا بودن راویان یکی از دو دلیل و نیز افقهیت در دین یا لغت عربی نیز از جمله مرجحات سندی محسوب می‌شود (آمدی، ۱۳۴۷ق، ۳: ۱۷۶؛ مصطفی شلبی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۵۲۹).

دوم - ترجیح به اعتبار خود روایت: به باور جمهور علمای اهل سنت روایت متواتر بر مشهور ترجیح داده می‌شود، همان گونه که روایت مشهور بر خبر واحد ترجیح دارد؛ زیرا متواتر یقین آور است و حدیث مشهور قریب به یقین بوده و خبر واحد ظنی می‌باشد. همچنین حدیث مسند بر مرسل ترجیح داده می‌شود (زحیلی، ۱۴۳۲ق، ۲: ۴۶۷).

سوم - ترجیح به اعتبار مروی: حدیث مسموع از پیامبر (۹) بر حدیث منقول از کتاب ترجیح داده می‌شود. کما اینکه حدیث مروی به صیغه از پیامبر (۹) بر حدیث مروی بواسطه فعل ترجیح دارد؛ زیرا روایت صیغه از روایت فعل در دلالت قویتر است. مثل اینکه راوی بگوید: پیامبر امر کرد یا نهی نمود یا اجازه داد، این مقدم است بر حکایت فعل در زمان پیامبر (۹).
چهارم - ترجیح به اعتبار مروی عنه: حدیثی که در آن روایت مروی عنه مورد انکار واقع نشده است، بر روایتی که در آن انکار روایت مروی عنه واقع شده است ترجیح داده می‌شود (آمدی، ۱۳۴۷ق، ۳: ۱۸۰؛ غزالی، ۱۴۱۳ق، ۱: ۳۷۶).

* نظر فخر رازی

از دیدگاه فخر رازی تمام آنچه که اصولیان بعنوان مرجحات سندی ذکر کرده‌اند، به دو امر بازگشت می‌کند: کثرت راویان، صفات راویان.

- ترجیح به سبب کثرت راویان

در متعارضین هرگاه یکی از دو خبر را تعداد بیشتری از راویان نقل کرده باشد، بر دیگری ترجیح داده می‌شود. همچنین اگر یکی از دو خبرین متعارضین سندش بهتر باشد (ولو اینکه تعداد کمتری از راویان آنرا نقل کرده باشد)، بر دیگری که سندش اعلی نیست مقدم می‌گردد (ولو اینکه تعداد راویان

آن بیشتر باشد). (رازی، ۱۳۲۰ق، ۴:۱۳۲۹).

- ترجیح به سبب صفات راویان

به باور او شش صفت از میان صفات راوی را می‌توان بعنوان مرجح و مزیت در نظر گرفت که سبب تقدم یکی از متعارضین می‌گردد که عبارتند از: اعلمیت، اورعیت، ذکاوت، مشهور بودن راوی، زمان روایت، و کیفیت روایت. وی برای هر یک از این شش صفت، صور و حالات متعددی را فرض نموده و آنرا به تفصیل بیان کرده است.

- اعلمیت

- روایتی که راوی آن فقیه است نسبت به راوی غیر فقیه.
- در صورتی که راوی هر دو خبر متعارضین فقیه باشد، در این هر کدام که افقه بود، خبرش مقدم می‌شود.
- روایت کسی که به علوم و ادبیات عرب اعلم است بر دیگری مقدم می‌باشد.
- هرگاه راوی صاحب واقعه، موضوعی را که برای خودش شخصاً اتفاق افتاده باشد، نقل کند، بر دیگری ترجیح دارد.
- مجالست و نشست و برخاست بیشتر راوی با علماء و محدثین، موجب ترجیح روایتش بر دیگری می‌باشد.

- أورعیت

- هرگاه عدالت راوی یکی از خبرین واضح و آشکار باشد، خبرش بر دیگری که حالتش معلوم نیست، مقدم می‌گردد.
- اگر هر دو راوی عادل باشند، و عدالت یکی با اختبار و آزمایش و از طریق مصاحبت با او معلوم شده، ولی دیگری با شهادت اهل خبره (مزکی و معدل) و از طریق اجتهاد و تتبع در احوال وی، در این صورت اولی ترجیح داده می‌شود.
- اگر عدالت هر دو راوی از طریق شهادت اهل خبره (مزکی و معدل) اثبات شده باشد، هر

مزگی که اعلم و اورع باشد، آن راوی و روایتش ترجیح داده می‌شود. همچنین تعداد شهود هرکدام که بیشتر باشد، موجب ترجیح روایت او می‌گردد.

- اگر عدالت هر دو راوی با تزکیه اثبات شود، به هر روایتی که مزگی عمل کرده باشد، آن روایت بر دیگری ترجیح دارد.

- نکاوت

- خبری که راوی آن با هوش تر بوده و حافظه قویتر و نسیان و فراموشی کمتری دارد، بر دیگری ترجیح داده می‌شود.

- اگر راوی قدرت حافظه بالایی ندارد، ولی نسیان و فراموشی کمتری دارد، روایتش ترجیح داده می‌شود به خبری که راوی آن قدرت حافظه بالایی دارد، ولی فراموشکار است.

- هر راوی که در حفظ کلمات و سخنان پیامبر (۹) قویتر باشد، روایتش بر دیگری ترجیح داده می‌شود.

- هر راوی آنچه را که از پیامبر (۹) روایت می‌کند به جزم و قطع و یقین نقل نماید، روایتش بر دیگری که آنرا همراه با ظن و گمان نقل کند، مقدم می‌باشد (همان، ۴: ۱۳۳۲).

- مشهور بودن راوی

- هرگاه راوی یکی از خبرین متعارضین از کبار و بزرگان صحابه باشد، روایتش بر دیگری ترجیح دارد.

- هر راوی که یک اسم داشته باشد، آن خبر ترجیح داده می‌شود بر خبری که راوی آن بیشتر از یک اسم داشته باشد.

- خبری که راوی آن نسبش معلوم باشد، بر خبری که راوی آن مجهول النسب است ترجیح داده می‌شود.

- هرگاه در سلسله سند یکی از متعارضین راویانی وجود داشته باشد که اسامی شان با اسامی رواه ضعیف مشتبه شود، آن روایت مرجوح می‌باشد (همان، ۴: ۱۳۳۲).

- زمان روایت

- اگر راوی یکی از خبرین هم در کودکی و هم پس از بلوغ نقل روایت نموده و دیگری فقط پس از بلوغ روایت نقل کرده است، در این صورت روایت دوم مقدم می‌باشد.

- اگر یکی از دو راوی متعارضین هم در دوره صباوت و هم پس از بلوغ در مورد وی نقل روایت احتمال داده شود، و در مورد راوی دیگر چنین احتمالی نرود، روایت دوم مقدم می‌شود.

- اگر راوی یکی از خبرین هم در دوره صباوت و هم پس از بلوغ حدیث شنیده و حفظ نموده باشد، لیکن فقط پس از بلوغ نقل نماید، در این صورت روایت دیگر که راوی آن فقط پس از بلوغ تحمّل حدیث نموده و آنرا نقل کرد، ترجیح داده می‌شود.

- کیفیت روایت

- روایتی که در موقوفه بودن که سندش به صحابه منتهی شده (نوی، ۱۴۰۵، ق، ۱: ۳۳) یا مرفوعه بودن که سندش به پیامبر (۹) منتهی گردیده (همان، ۱: ۳۲)، اختلاف نظر باشد، روایتی که در مرفوعه بودنش اتفاق نظر وجود دارد، مقدم می‌شود.

- روایتی که در آن سبب نزول حکم بیان شده، مقدم می‌گردد بر روایت دیگر که سبب نزول حکم در آن بیان نشده است.

- راوی که نفس الفاظ شنیده از پیامبر (۹) را نقل کرده، خبرش مقدم میشود بر دیگری که آنرا نقل به معنی کرده است.

- اگر راوی حدیثی را نقل کند که مؤید یکی از متعارضین باشد، آن روایت که مؤید دارد بر دیگری مقدم می‌باشد.

- روایت مسند که تمام راویان در سلسله سند نام شان ذکر شده (همان، ۱: ۲۳) بر روایت مرسل که نام برخی از راویان موجود در سلسله سند نام شان از قلم افتاده (همان، ۱: ۳۴) ترجیح داده می‌شود.

۱-۲- مرجحات متنی

در خصوص مرجحات متنی بین اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. برخی مثل آمدی ۵۱ مورد را بعنوان مرجح متن برشمرده است (آمدی، ۱۳۴۷، ق، ۳: ۱۸۰). در اینجا به برخی از

مهمترین مرجحات متنی اشاره می‌کنیم:

تقدم نهی بر امر، و تقدم حقیقت بر مجاز، و تقدم خاص بر عام، و تقدم قول بر فعل، و تقدم جمع معرف بر جمع منکر، تقدم حکم عامی که تخصیص نخورده است بر عامی که مخصص دارد. (سیوطی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۸۷؛ زحیلی، ۱۴۳۲ق، ۲: ۴۶۹؛ مصطفی شلیبی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۵۳۱).

* نظر فخر رازی

ایشان ۱۸ مورد را بعنوان مزیت و مرجح متنی به تفصیل بیان داشته که به اختصار اینجا آورده می‌شود: تقدم حقیقت بر مجاز، تقدم خاص بر عام، تقدم قول بر فعل، تقدم جمع معرف بر جمع منکر، تقدم حکم عام غیر مخصص بر مخصص، تقدم اظهر بر ظاهر، تقدم عام تخصیص نخورده بر عام تخصیص خورده، تقدم حکمی که علتش بیان شده بر دیگری که بیان نشده، تقدم خبری که دلالتش تأکید شده بر خبری که تأکید نشده، تقدم خبری که مقرون به نوعی تهدید باشد بر دیگری که فاقد تهدید است، تقدم خبری که حکمش بلا واسطه است بر دیگری که با واسطه است، تقدم منطوق بر مفهوم (رازی، ۱۳۲۰ق، ۴: ۱۳۳۷).

۱-۳- مرجحات حکمی (مدلولی)

اهل سنت در این مورد اختلاف نظر دارند. برخی مثل فخر رازی ۵ مورد را بر شمرده‌اند. اما بعضی دیگر مثل شوکانی ۹ مورد را بعنوان مرجحات بر شمرده است (شوکانی، ۱۳۴۹ق، ص ۲۴۵). اما به باور برخی دیگر مثل آمدی، مرجحات مزبور ۱۱ مورد می‌باشد (آمدی، ۱۳۴۷ق، ۳: ۱۸۰). به منظور جلوگیری از اطاله کلام، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

تقدم حظر بر اباحه، و تقدم حظر بر وجوب. در مورد تعارض دلیلی که متضمن حظر است با دلیلی که متضمن وجوب است، اختلاف نظر وجود دارد، فخر رازی و برخی دیگر قائل به تساقط هستند. لیکن برخی دیگر مثل آمدی و ابن حاجب معتقدند که حظر بر وجوب مقدم می‌شود (زحیلی، ۱۴۳۲ق، ۲: ۴۷۳).

تقدم روایتی که متضمن یک حکم اثباتی است بر روایتی که متضمن نفی است. مثل خبر بلال: «بأنَّ النَّبِيَّ (۹) دخل البيت الحرام و صَلَّى» (بخاری، ۱۳۴۸ق، ۲: ۲۹۳) و خبر أسامة:

«آنّه دخل و لم یصلّ» (شوکانی، ۱۳۴۹ق، ۵:۱۵).

تقدم دلیلی که متضمن حکم وضعی است بر حکم تکلیفی، و تقدم حکم خفیف تر بر حکم ثقیل تر.

* نظر فخر رازی

فخر رازی ۵ مورد را بعنوان مرجحات حکمی برشمرده است: تقدم خبری که مقرر حکم اصل است بر خبری که ناقل آن است (بر خلاف رأی جمهور که خبر ناقل را مقدم می‌دانند). تقدم خبری که نافی حدّ است بر خبری که اثبات کننده یک حکم حدّی است. تقدم حظر بر اباحه، تقدم خبری که حکم اثباتی دارد بر خبری که متضمن حکم نفی است (رازی، ۱۳۲۰ق، ۴:۱۳۴۱).

۱-۵- مرجحات حال ورود خبر (أحدثیت)

فخر رازی بر خلاف بسیاری از اصولیان، ترجیح به أحدثیت خبر را تحت عنوان مرجحات حال ورود خبر به صورت جداگانه ذکر کرده است و شش صورت و حالت را بیان نموده است: - در متعارضین، خبر مدنی بر خبر مکی ترجیح داده می‌شود.

- ترجیح خبری که در آخر عمر پیامبر روایت شده، بر خبری که در ابتدای ورودش به مدینه نقل شده است.

- در متعارضین، هر خبر که راوی آن زودتر از دیگری بخدا ایمان آورده و مسلمان شده باشد، خبرش مقدم است.

- اگر هر دو راوی همزمان مسلمان شده، لیکن یک راوی در زمان مسلمان بودنش از پیامبر شنیده، ولی دیگری زمان سماعش معلوم نیست، اولی مقدم می‌باشد.

- اگر یکی از دو خبر زمان خبرش مشخص است، ولی دیگری معلوم نیست، در این صورت اولی مقدم می‌گردد.

- ترجیح روایتی که دال بر یک حکم تخفیفی است بر روایتی که دال بر تغلیظ است.

دسته دوم: مرجحات خارجی

در این فقره نیز بین اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. برخی مثل شوکانی ۱۰ مورد را

- برشمرده است (شوکانی، ۱۳۴۹ق، ص ۲۴۷). و بعضی دیگر مثل آمدی ۱۵ مورد را ذکر کرده است (آمدی، ۱۳۴۷ق، ۳: ۱۸۸). در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:
- تقدم دلیلی که پشتوانه‌اش، کتاب یا سنت یا اجماع یا قیاس یا عقل باشد بر دلیلی که فاقد این گونه مؤیدات می‌باشد.
 - تقدم دلیلی که اهل مدینه یا خلفاء راشدین یا برخی از امت به مضمون آن عمل کرده باشند بر دلیلی که این گونه نیست.
 - تقدم حدیثی که در آن دلیل و علت حکم شرعی بیان شده، بر دلیلی که علت حکم در آن بیان نگردیده است.
 - تقدم دلیلی که أقرب به احتیاط و برائت ذمه است، بر دلیلی که بدور از احتیاط می‌باشد.
 - تقدم حدیثی که همراه با تفسیر راوی است بر حدیثی که مقترن با تفسیر راوی نیست.
 - تقدم دلیلی که متضمن بیان یک حکم اختلافی است بر غیر آن (زحیلی، ۱۴۳۲ق، ۲: ۴۷۶).

* نظر فخر رازی

- به باور فخر رازی کلیه مواردی را که بعنوان مرجحات به اعتبار امر خارج ذکر شده است، به چهار چیز برگشت می‌کند:
- ترجیح به کثرت و زیاد بودن ادله.
 - یکی از متعارضین را بعضی از بزرگان صحابه نقل کرده و یا اینکه برخی از بزرگان صحابه بخلاف آن عمل کرده باشند
 - در میان فقیهان گذشته به یکی از دو روایت بیشتر از دیگری عمل شده باشد.
 - خبر واحدی که عام البلوی و محل اختلاف هست، مرجوح می‌باشد و دیگری که عام البلوی نیست ترجیح داده می‌شود.
 - همچنین مرجحات کیفی بر مرجحات کمی مقدم می‌باشد. بنابراین هرگاه یکی از متعارضین به لحاظ کیفیت قویتر باشد، عمل به آن واجب است. هرچند که دلیل دیگر مرجحات کمی زیادتری داشته باشد (رازی، ۱۳۲۰ق، ۴: ۱۳۴۷).

مرجحات اقیسه

بحث از مرجحات اقیسه نزد امامیه بدلیل عدم حجیت قیاس جایگاهی ندارد. اما اهل سنت در تعداد مرجحات بین دو قیاس متعارضین اختلاف نظر دارند. برخی به ۵ قسم (شلی، ۱۴۰۶ق، ۱:۴۳۳) و برخی دیگر مثل شوکانی به ۶ قسم اشاره نموده. وهبه زحیلی معتقد است که می توان آنها را در چهار قسم جمع نمود: ۱ - ترجیح از جهت حکم اصل ۲ - ترجیح از جهت حکم فرع ۳ - ترجیح به سبب علت ۴ - ترجیح از جهت امر خارجی (زحیلی ۱۴۳۲ق، ۲:۴۷۷). فخر رازی ۶ مورد را به عنوان مرجحات اقیسه ذکر کرده است: ترجیح به سبب دلیل حکم اصل، ترجیح به سبب کیفیت حکم، ترجیح به سبب وجود علت، ترجیح به سبب ماهیت علت، ترجیح به سبب مکان علت، ترجیح به سبب علیت علت. که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود (رازی، ۱۳۲۰ق، ۴:۱۳۴۷).

۴ - مقایسه دیدگاه میرزای نائینی و فخر رازی

الف - نقاط اشتراک

- حل تعارض بدوی از طریق جمع عرفی مورد پذیرش طرفین است.
- تقسیم بندی مرجحات باب تعارض به دو دسته کلی: مرجحات داخلی (منصوص) و خارجی (غیر منصوص)
- در تقسیم مرجحات داخلی به صدوری، متنی اتفاق نظر دارند و هر دو ای شان به چهار مورد بعنوان مرجح داخلی اشاره کرده اند، لیکن در نامگذاری و کیفیت آن اختلاف نظر دارند.
- موافقت با کتاب و ترجیح به سبب صفات راوی را هر دو جزء مرجحات محسوب نموده اند.
- ترجیح به أحدثیت خبر مورد پذیرش هر دو است.
- در مرجحات غیر منصوص، کثرت راویان و تقدم خبر مثبت بر منفی و ترجیح نقل با لفظ بر نقل به معنی مورد پذیرش فریقین است.

ب - نقاط افتراق

- از نظر میرزای نائینی مرجحات (منصوص) داخلی سه قسم است: مرجح سندی، مرجح

صدوری، و مرجح مضمونی، در حالی که از نظر فخر رازی مرجحات داخلی پنج قسم است: ترجیح به واسطه اسناد، ترجیح بواسطه حال ورود خبر، ترجیح به واسطه لفظ، و ترجیح به واسطه حکم و ترجیح به حسب علت.

- میرزای نائینی تعدی از مرجحات منصوص را جایز نمی‌داند، ولی فخر رازی قائل به جواز تعدی است.

- مخالفت با عامه از جمله مرجحات مختص امامیه است.

- موافقت با قیاس و سدّ ذرایع از جمله مرجحات مختص اهل سنت است.

- میرزای نائینی موافقت با اصول عملیه را جزء مرجحات نمی‌داند.

- میرزای نائینی از میان صفات راوی، فقط اصدقیّت در کلام و اوثقیّت در نقل را بعنوان

مرجح معتبر می‌داند، در حالی که فخر رازی علاوه بر اصدقیّت و اوثقیّت، موارد دیگر مثل؛ عدلیّت، اورعیّت، ذکاوت، مشهور بودن و اعلمیّت را نیز معتبر می‌داند.

۵. نتیجه

- شاکله و ساختار بحث در مورد مرجحات باب تعارض نزد فریقین تفاوت اساسی با یکدیگر ندارد و از جهات زیادی شبیه هم است. شایع‌ترین تقسیم‌بندی نزد اصولیون امامیه و اهل سنت، تقسیم مرجحات به داخلی و خارجی می‌باشد..

- نسبت میان مرجحات باب تعارض در اصول فقه امامیه و اهل سنت از نسب اربعه، عموم و خصوص من وجه می‌باشد؛ چرا که در اغلب موارد نقاط اشتراکی و تشابه وجود دارد. مثل ترجیح به موافقت کتاب و صفات راوی - هرچند که در جزئیات اختلاف نظر دارند - و در برخی موارد مثل مخالفت با عامه مختص به امامیه و موافقت با قیاس و سدّ ذرایع مختص به اهل سنت می‌باشد.

- بحث مرجحات باب تعارض از جمله مسائل مهم و کاربردی است که در متون فقهی امامیه و اهل سنت موارد تطبیق و کاربرد آن فراوان به چشم می‌خورد.

- آخوند خراسانی، محمد کاظم، ۱۴۰۹ق، کفایة الاصول، قم، مؤسسه آل البيت، چ ۱
- آمدی، علی بن محمد، ۱۴۰۴ق، الاحکام، بیروت، ج ۴ دار الكتاب العربی، چ ۱
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، معجم مقایس اللغة، قم، ج ۴، مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۱
- انصاری، مرتضی، ۱۴۲۸ق، فرائد الاصول، قم، ج ۴، مجمع الفكر الاسلامی، چ ۱
- البطلیوسی، عبدالله بن السید، ۱۴۰۳ق، الانصاف، بیروت، ج ۱، دار الفكر، چ ۲
- حسینی گرگانی، سید میر تقی، ۱۳۹۳ش، نبراس الازدهان، قم، ج ۴، نارنجستان، چ ۱
- خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۵ش، التعادل و التراجیح، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار، چ ۱
- خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۳۵۲ش، اجود التقریرات، قم، ج ۲، مطبعة العرفان، چ ۱
- رازی، فخرالدین عمر، ۱۴۲۰ق، المحصول، بیروت، ج ۴ المکتبة العصرية، چ ۲
- رشتی، حبیب الله، بی تا، بدائع الافکار، قم، مؤسسه آل البيت، چ ۱
- زحیلی، وهبة، ۱۴۳۲ق، اصول الفقه الاسلامی، دمشق، ج ۲، دارالفکر، چ ۱۹
- سبحانی، جعفر، ۱۴۲۰ق، اصول الحدیث و احکامه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چ ۵
- _____، ۱۳۷۶ش، الموجز فی اصول الفقه، قم، ج ۲، مؤسسه النشر الاسلامی
- سرخسی، ابوبکر، ۱۴۱۴ق، اصول السرخسی، بیروت، ج ۲، دارالکتاب العربی، چ ۲
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۱۱ق، الاشباه و النظائر، بیروت، ج ۴ دارالکتب العلمیة، چ ۱
- شاطبی، ابراهیم بن موسی، ۱۴۱۷ق، الموافقات، دار ابن عفان، ج ۵، چ ۲
- شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۱۹ق، ارشاد الفحول، بیروت، ج ۲، دارالکتاب العربی، چ ۱
- صدر، سید محمد باقر، ۱۴۲۵ق، بحوث فی علم الاصول، بیروت، ج ۷، دار إحياء التراث العربی، چ ۱
- طباطبایی حکیم، محمد سعید، ۱۴۲۸ق، الکافی فی اصول الفقه، بیروت، ج ۲، دار الهلال، چ ۴
- عاملی، محمد حسین، ۱۴۲۴ق، ارشاد العقول، قم، ج ۴، مؤسسه الامام الصادق، چ ۱
- عبدالعزیز، امیر، ۱۴۱۸ق، اصول الفقه الاسلامی، بیروت، ج ۲، دارالسلام، چ ۱
- غزالی، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، المستصفی، بیروت، دار الکتب العلمیة، چ ۱
- کاظمی، محمد، ۱۳۷۶ش، فوائد الاصول، قم، ج ۴، جامعه مدرسین، چ ۱
- مشکینی، علی، ۱۳۷۴ش، اصطلاحات الاصول، قم، انتشارات الهادی

- مصطفی شلبی، محمد، ۱۴۰۶ق، اصول الفقه الاسلامی، بیروت، ج ۱، دارالنهضة العربية، چ ۱
مظفر، محمد رضا، ۱۳۸۶ق، اصول الفقه، نجف، ج ۲، دار النعمان، چ ۲
مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۸ق، انوار الاصول، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ج ۳، چ ۲
میرزای قمی، ابوالقاسم، ۱۴۳۰ق، القوانین المحکمة فی الاصول، قم، ج ۴، دارالاحیاء الکتب
الاسلامیة، چ ۱
نووی، یحیی بن شرف، ۱۴۰۵ق، التقریب و التیسیر، بیروت، ج ۱، دارالکتب العربی، چ ۱
ولایی، عیسی، ۱۳۸۷ش، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران، نشر نی، چ ۶

